

متن پرسش

سلام: گلایه ای از شما دارم که چرا هر سوالی از قرآن و حدیث را فکر می کنید جوابی برای آن دارید؟! آیا جایی برای معصوم باقی گذاشته اید؟ همان‌ها که می‌گویند عالم این کتاب فقط ما اهل بیت (ع) هستیم؟ شما فرموده اید که همه پیامبران نسل ابراهیم (ع) همه امام هستند. این مطلب را ببینید: وقتی حضرت ابراهیم (ع) در سن جوانی تبر را برداشت و بت‌ها را شکست، و نمود و علمای گمراه او را در آتش افکندند، خداوند سبحان و متعال بدون اینکه ابراهیم (ع) تقاضا کند او را پاداش داد به این صورت که انبیای پس از او را از نسلش قرار داد. سپس ابراهیم (ع) دعوت الهی خود را ادامه داد، و هنگامی که خداوند سبحان و متعال او را با کلماتی بیازمود و ابراهیم (ع) در امتحان و ابتلا پیروز شد، حق تعالی خطاب به او فرمود: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» «من تو را پیشوای مردم گردانیدم». جایگاه امامت الهی، جایگاهی بس رفیع است که همه‌ی انبیا و فرستادگان به آن دست نیافتند. در اینجا ابراهیم (ع) از خداوند سبحان و متعال این تقاضا را درخواست نمود: «وَمِن ذُرِّيَّتِي» «و از فرزندان من؟»؛ یعنی آیا در پیامبرانی که پیش‌تر مرا به آن‌ها بشارت داده‌ای نیز (امام) یافت می‌شود؟ حق تعالی می‌فرماید: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» «عهد من ستم‌کاران را دربر نمی‌گیرد»؛ یعنی ستم‌کاران از پیامبران (ع) و ستم‌پیامبران مانند ستم‌سایرین نیست بلکه از جنس (حسنات الأبرار، سيئات المقربين) (۲) (کارهای نیک خوبان، گناه مقربان است) می‌باشد؛ یعنی عملکرد آنان به جهت یکسان نبودن میزان معرفت و شناخت‌شان (ع)، همانند یکدیگر نیست. هر کدام از آنها (ع) خداوند سبحان را بر حسب میزان معرفت و شناختش عبادت می‌کند؛ بنابراین عبادت آنان با یکدیگر متفاوت می‌باشد. از همین رو به عنوان مثال سجده‌ی حضرت محمد (ص) از عبادت ثقلین (جن و انس) برتر است و یا ضربه‌ای از علی (ع) با عبادت ثقلین (جن و انس) برابری می‌کند. (۳) و این تمایز میان آنها (ع) موضوعی است آشکار و حق تعالی از آن یاد کرده است: «تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِّنْهُمْ مَّن كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَءَاتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَنَّا الَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ مَّن بَعْدَ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنِ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَّن ءَامَنَ وَمِنْهُمْ مَّن كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَنَّا لَوْلَا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ» (۴) «بعضی از این فرستادگان را بر بعضی دیگر برتری دادیم. خدا با بعضی سخن گفت و بعضی را به درجاتی برافراشت و به عیسی بن مریم معجزه‌ها دادیم و او را با روح القدس یاری کردیم و اگر خدا می‌خواست مردمی که پس از آنها بودند، پس از آنکه حجت‌ها بر آنان آشکار شده بود، با یکدیگر قتال نمی‌کردند؛ ولی آنان اختلاف کردند: پاره‌ای مؤمن بودند و پاره‌ای کافر شدند و اگر خدا می‌خواست با هم قتال نمی‌کردند؛ ولی خدا هر چه خواهد

می‌کند». بنابراین اگر یونس پیامبر (ع) و حضرت محمد (ص) به انجام یک کار مکلف شوند، انجام دادن آن عمل توسط یونس (ع) به مانند انجام آن کار توسط حضرت محمد (ص) نیست و این کوتاهی یونس (ع) در انجام آن عمل نسبت به آنچه حضرت محمد (ص) انجام می‌دهد ظلمی است از سوی یونس (ع)؛ چرا که این کوتاهی، او را از دست‌یابی به جایگاه عظیمی که انسان برای رسیدن به آن سرشته شده است، باز می‌دارد. به این ترتیب مرتبه‌ای از این نوع ستم‌کاری وجود دارد که انبیا و فرستادگان (ع) از نسل ابراهیم (ع) باید از آن گذر کنند تا به مرتبه‌ی امامت نائل گردند و از همین رو حق تعالی می‌فرماید: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» «بیمان من ستم‌کاران را دربرنگیرد»؛ یعنی ای ابراهیم! تمام پیامبران از نسل تو به مقام امامت نائل نمی‌شوند بلکه فقط کسانی از انبیا و فرستادگان از فرزندان تو به آن می‌رسند که از این ظلم گذر کنند و به این مرتبه ارتقا یابند: «وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلِي مُدْبِرًا وَ لَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَىٰ ۖ لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيِّ الْمُرْسَلُونَ * إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ» (۵) «عصایت را بیفکن. چون دیدش که همانند ماری می‌جنبد، گریزان بازگشت و به عقب ننگریست. ای موسی، مترس که فرستادگان نباید در حضور من بترسند * مگر کسی که ستمی کرده باشد و سپس پس از بدکاری، نیکوکار شود؛ چرا که من آمرزنده‌ی مهربانم». حق تعالی در قرآن به برخی ائمه از نسل ابراهیم (ع) اشاره می‌فرماید: از جمله‌ی آنها حضرت موسی (ع) است. حق تعالی می‌فرماید: «وَ اضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرِي» (۶) «دست خویش در بغل کن، بی‌هیچ عیبی، سفید بیرون آید، این هم آیتی دیگر»؛ یعنی خالی از هر گونه ظلم و ستم. انسان با دست می‌گیرد و می‌دهد، و دست سفید به عدالت تمام و کمال انسان با مردم و با خداوند سبحان و متعال اشاره دارد. بنابراین موسی (ع) خودش را از ظلم و ستم در مرتبه‌ای عالی، پاک و طاهر نموده است، همان طور که در این آیه اشاره می‌شود: «إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ» (۷) «مگر کسی که ستمی کرده باشد و سپس پس از بدکاری، نیکوکار شود؛ چرا که من آمرزنده‌ی مهربانم». و از جمله‌ی آنها حضرت عیسی (ع) است. حق تعالی از حضرت عیسی (ع) چنین خبر داده است: «وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أَمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا» (۸) «سلام بر من، روزی که زاده شدم و روزی که می‌میرم و روزی که دیگر بار زنده برانگیخته می‌شوم»؛ یعنی عیسی (ع) به جایگاه امامت دست یافته است، و او به خودش و مردم امان می‌بخشد. و خداوند متعال به کسانی از آنها که به مرتبه‌ی امامت دست نیافتند اشاره کرده است؛ مانند حضرت یحیی (ع). حق تعالی می‌فرماید: «وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا» (۹) «سلام بر او، روزی که زاده شد و روزی که می‌میرد و روزی که دیگر بار زنده برانگیخته می‌شود»؛ یعنی او به جایگاه امامت دست نیافته تا به مردم و خودش امان بخشد، بلکه او فقط راه را برای حضرت عیسی (ع) آماده و مردم را به سوی او راهنمایی نمود.» اما این سخن برخی که می‌گویند حضرت ابراهیم (ع) نگران فرزندان خود بود، اگر مقصودشان این است که آن حضرت (ع) امامت را برای آنها (ع) می‌خواسته، اینچنین نیست؛ چرا که ابراهیم (ع) نه بر دنیا حریص بود و نه بر آخرت، بلکه فقط بر رضایت خداوند

سبحان و متعال حرص داشت، و دعای پیامبران و حضرت ابراهیم (ع) برای فرزندانشان، فقط برای فرزندان صالح‌شان بوده آن هم پس از آگاهی یافتن از صلاحیت آنها. پیش از ابراهیم (ع)، نوح (ع) بود که پس از آنکه خداوند پسرش را لعنت نمود و پس از آنکه دانست او از راه راست منحرف شده و از اهل آتش است، او هم فرزندش را لعنت کرد. این چنین نبوده که حضرت ابراهیم (ع) یا پیامبران (ع) نگران فرزندان خود باشند به این جهت که آنها فرزندان‌شان می‌باشند که اگر چنین بود، آنها گرفتار درجه‌ی بالایی از خودپسندی و انحراف از صراط مستقیم می‌بودند (که هرگز چنین نمی‌باشد!) و حال آنکه آنها برترین خلق خدا می‌باشند. حضرت ابراهیم و پیامبران (ع) فقط نگرانی فرزندان صالح خود را در دل داشتند؛ چرا که از صلاح آنها باخبر بودند و می‌دانستند که این فرزندان صالح، جانشینان آنها در دعوت به سوی خداوند سبحان و متعال و کشیدن بار رنج و سختی و آزار از سوی مردم در راه گسترش توحید و کلمه‌ی خداوند سبحان و متعال در زمینش خواهند بود. بنابراین ابراهیم (ع) و انبیا (ع) نگران فرزندان صالح خود بودند؛ چرا که آنها اولیای خداوند سبحان بودند و نه از این رو که فرزندان‌شان می‌باشند. بین این دو تفاوتی بسیار زیاد وجود دارد؛ مانند تفاوت میان حبّ خدای سبحان و حبّ دنیا در قلب نیکوکار و بدکردار. منابع: ۱- بقره: ۱۲۴. ۲- جواهر السنیه حر عاملی: ص ۸۳. ۳- پیامبر (ص) می‌فرماید: (ضربت علی بر عمرو در روز خندق با عبادت جن و انس برابری می‌کند). عوالی اللئالی ابن ابی جمهور: ج ۴ ص ۸۶. ۴- بقره: ۲۵۳. ۵- نمل: ۱۰ - ۱۱. ۶- طه: ۲۲. ۷- نمل: ۱۰ - ۱۱. ۸- مریم: ۳۳. ۹- مریم: ۱۵. این گفتاری بود از وصی و فرستاده امام زمان، احمدالحسن

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نمی‌دانم چرا شما با این سطحی‌نگری و شخص‌پرستی‌های‌تان به اندازه‌ی یک انسان عادی هم تفکر را از دست داده‌اید و به جوابی که بنده بر مبنای نگاه مفسرین بزرگ با مخاطب در میان گذاشته‌ام، و تازه آدرس هم جهت بحث مفصل‌تر داده‌ام؛ نمی‌توانید بیندیشید. مگر نمی‌بینید در جواب گفته شده است: «تمام پیامبران نسل حضرت ابراهیم «علیه‌السلام»، امام هستند»، یعنی پس آن‌هایی که ظالم‌اند را، شامل نمی‌شود. به جوابی که داده شده بیشتر دقت کنید و از نقص فهم اندیشه‌های دیگران، خود را برهانید که البته هیچ‌وقت امیدی به نجات چنین فرقه‌هایی نبوده و نیست.